

بسم الله الرحمن الرحيم  
نگاهی به جایگاه زن در اسلام

تردید نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شان بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم و ستم واقع می شدند، اما با رشد روز افزون آگاهی های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می توان حقوق از دست رفته زنان را استیفا کرد. در این راستا به یقین می توان گفت که ادیان الهی بویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن همت گماشته اند و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است. معارف و الگوهای حیات بخش اسلام اگر چه در مسیر احیای شخصیت و جایگاه زنان تاثیرات زیادی داشته و دارد، ولی بسیاری از حقایق در پس ابرهای جهل و خرافه پنهان مانده و جامعه زنان هنوز نتوانسته اند آن چنان که باید از میوه های شیرین فرهنگ دینی بهره مند گردند. از طرف دیگر فرهنگ غرب با تسلط بر امکانات مادی و مراکز ارتباطی و اطلاعاتی سعی در تحمیل الگوی ناقص خویش بر ملت های جهان دارد. آنان که هنوز از سودمندی دستاوردهای خویش مطمئن نیستند و از درون دچار چالش های عمیق و فراگیر شده اند، به تهاجم فرهنگی بر علیه کشورهای دیگر دست زده اند. از این رو ضروری است در دورانی که به «جاهلیت مدرن» موسوم گشته، با معرفی دقیق شخصیت و جایگاه زن گامی مهم در جهت پیشبرد اهداف عالی اسلام برداریم.

برگ های سیاه تاریخ

فرهنگ های منحط و آداب و رسوم غلط در جوامع بشری انواع ظلم و جور و سختی را بر زنان تحمیل کرده و آنان را به استعمار کشیده است. اکنون نمونه هایی از اشکال مختلف ستم بر زنان در کشورهای گوناگون مطرح می شود:

یونان: یونانیان زن را زاده شیطان می دانستند و او را در هیچ کاری مداخله نمی دادند و فقط

برای ارضاء غریزه جنسی و خدمت گذاری، از او استفاده می کردند. در یونان زن به آسانی مورد معامله و واگذاری به بیگانه قرار می گرفت.

روم: هر چند رومی ها در قوانین و حقوق، پیشرفت زیادی داشته اند، اما عقیده آن ها درباره زن این بوده است که او را به علت داران بودن روح انسانی، برای حشر در روز قیامت لایق نمی دانسته اند. در نظر رومیان زن مظهر شیطان و انواع ارواح مودیه بود، از این جهت در خندیدن و سخن گفتن از او جلوگیری می کردند و اکثرا دهان او را جز در موارد خوردن می بستند. در روم زنان همیشه تحت کفالت بودند و احتیاج به قیم داشتند و پس از مرگ مانند اشیاء به ارث برده می شدند.

چین: اگر دختری متولد می شد، خویشان و نزدیکان با نهایت تاسف و ترحم به پدر و کسان نزدیک طفل تسلیت می گفتند. دختران را زنده می کشتند یا به صحرا می افکندند و یا به برده فروشان می دادند. چینیان خیال می کردند خداوند خالق پسران است و شیطان خالق دختران، لذا در نظر آنان پسران با برکت بودند و دختران طوق لعنت. قربانی دوشیزگان برای خدایان در چین مرسوم بوده است<sup>(1)</sup>.

جاهلیت عرب: زن در میان عرب های جاهلی وضعیت نامناسبی داشته، با فجیع ترین وضع زندگی می کرده و مانند کالایی خرید و فروش می شده و از هر گونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارث محروم بوده است. آنان زن را در شمار حیوانات قرار داده و او را جزء لوازم و اثاث زندگی می شمردند. غالبا از بیم قحطی و یا از ترس آلودگی، دختران خود را در روز اول تولد سر می بریدند و یا از بالای کوه بلند به دره عمیقی پرتاب می کردند و گاهی در میان آب غرق می کردند<sup>(2)</sup>.

همچنین زنده به گور کردن دختران مرسوم بوده است. به عنوان نمونه وقتی از قیس بن عاصم سؤال شد که تا کنون چند نفر از دخترانت را زنده به گور کرده ای، پاسخ داد: دوازده یا سیزده دختر<sup>(3)</sup>. به همین منظور آیاتی چند از قران کریم در مزمت و نکوهش آنان بیان شده است، از جمله: «قد خسر الدین قتلوا اولادهم سفها بغیر علم»<sup>(4)</sup>؛ «البتة آنان که فرزندان خود را به

سفاهت و نادانی کشتند زیانکارند.» و «و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکاؤهم  
«<sup>(5)</sup> و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان، [عمل ظالمانه] کشتن فرزندانشان را بت های  
ایشان نیکو جلوه داد.»

جایگاه واقعی زن در اسلام

الف) تکامل زن

یکی از عالی ترین برنامه های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین  
بردن تمام بی عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری طلبی های قومی، نژادی،  
جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و  
سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد.

این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است.  
خداوند متعال می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر وانثی وجعلناکم شعوبا وقبائل  
لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم»<sup>(6)</sup> و «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما  
را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین  
شماست.»

از طرف دیگر، هدایت تشریحی، عام و گسترده است و به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر  
کس می تواند از این دریای رحمت الهی حظ و بهره ای ببرد و راه تکامل و سعادت خویش را  
هموار سازد. خداوند متعال می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفورا»<sup>(7)</sup> و «ما راه را  
به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس.» پس اختلاف در جنسیت نمی تواند  
مانعی برای تکامل باشد.

شهید مطهری رحمه الله پیرامون این موضوع چنین می گوید: «اسلام در سیر من الخلق الی الحق  
یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست.»<sup>(8)</sup>  
نمونه های تاریخی، گواهی صادق بر این مدعاست. در طول تاریخ، زنان بسیاری بوده اند که قله  
های ترقی را در نور دیده و به عنوان زنان نمونه و الگو معرفی شده اند. «ضرب الله مثلا للذین

ءامنوا امرات فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من القوم الظالمين ومريم ابنت عمران التي احصنت فرجها»<sup>(9)</sup>؛ «خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است در آن هنگام که گفت: پروردگارا خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش. و همچنین مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت.»

همچنین زن می تواند به مقام و منزلتی برسد که غضب و رضایت او غضب و رضای الهی را در پی داشته باشد، چنان که در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله درباره حضرت فاطمه علیها السلام آمده است: «ان الله لیغضب لغضب فاطمة ویرضی لرضاهها؛ همانا خداوند از غضب فاطمه غضبناک و از خشنودی او خشنود می شود.»<sup>(10)</sup>

(ب) حقوق زن

یکی از مباحث قابل توجه در مورد جایگاه زنان در اسلام، جایگاه حقوقی آنان است. اگر چه اسلام برای زنان در ابعاد فردی و اجتماعی قوانین ویژه ای وضع نموده ولی در برابر، حقوق شایسته ای برای آنان قرار داده که موجب تعالی شخصیت آن ها است. خداوند حکیم می فرماید: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف»<sup>(11)</sup>؛ «و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آن هاست [حقوق] شایسته ای قرار داده شده است.» در این مقال به ذکر نمونه هایی از اقداماتی که اسلام برای احیاء و استیفای حقوق زنان انجام داده است می پردازیم.

1) احیاء شخصیت زنان

در طول تاریخ به واسطه برتری جسمانی مردان بر زنان، شخصیت و جایگاه زنان به پایین ترین حد تنزل یافته بود، به طوری که مایه سرافکنندگی و طوق لعنت به شمار می رفتند. به عنوان نمونه قرآن کریم می فرماید: «واذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم»<sup>(12)</sup>؛ «و هرگاه به یکی از آن ها بشارت دهند که دختری نصیب تو شده، صورتش [از فرط ناراحتی] سیاه می شود و به شدت خشمگین می گردد.» اما اسلام با قوانین بی بدیل خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمة للعالمین بود، شخصیت از دست رفته زنان را احیا کرد و او را مایه

رحمت و برکت معرفی نمود، چنانکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرمایند:  
«البنات هن المشفقات المجهزات المباركات»<sup>(13)</sup>؛ دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت  
هستند.»

## 2) به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان

قبل از اسلام زنان نه تنها حق مالکیت نداشتند، بلکه همچون کالایی خرید و فروش می شدند و در کنار اموال میت به ارث برده می شدند، حتی در کشورهای غربی با آن همه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد، تا یک قرن قبل حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی - آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت - برای آنان حق مالکیت را به رسمیت شناختند. ویل دورانت مورخ بزرگ می نویسد:  
«نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون 1882 م بود. به موجب این قانون زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی سابقه ای برخوردار می شدند و آن این که پولی را که به دست می آوردند حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون عالی اخلاقی را کارخانه داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سودجویی مقاومت ناپذیری آنان را از بندگی و جان کندن در خانه رها کرده، گرفتار بندگی و جان کندن در مغازه و کارخانه کرده است.»<sup>(14)</sup>

اما اسلام که انسان های کور دل و شهوت پرست قرن بیستم آن را به محدودیت حقوق زنان متهم می کنند، از قرن ها قبل حق مالکیت را برای زنان، به رسمیت شناخته و به هیچ کس حق تصرف در اموال آنان را نمی دهد. خداوند متعال به صراحت می فرماید: «للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن»<sup>(15)</sup>؛ «مردان نصیبی از آن چه به دست می آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود].»  
همچنین برای آنان به انتظار و نیاز آن ها در چهار چوب شریعت، حق ارث معین شده است. «وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والاقربون»<sup>(16)</sup>؛ «و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می گذارند، سهمی است.»

3) تجویز حضور زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داده شده است، اما مشروط به حفظ عفاف و پاکدامنی و حریم انسانیت. اسلام از طرفی با حضور بی قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال که سعادت آنان را در پی دارد در پیش روی آنان قرار داده است. به گفته استاد شهید مطهری رحمه الله: «اسلام در عین این که نهایت اهمیت را برای پاکی روابط جنسی به عمل آورده، هیچ گونه مانعی برای بروز استعداد های انسانی زن به وجود نیاورده است، بلکه کاری کرده که اگر این برنامه ها دور از افراط و تفریط اجرا شود، هم روحیه ها سالم می ماند، هم روابط خانواده ها صمیمی تر و جدی تر می گردد و هم محیط اجتماع برای فعالیت صحیح مرد و زن آماده تر می شود.»<sup>(17)</sup>

با بررسی تاریخ گرانمایه اسلام در می یابیم که اسلام هیچ گاه زنان را از حضور در امور فوق منع نکرده، بلکه در برخی مسائل مانند حج آن را واجب شمرده و در بسیاری موارد آن را مجاز دانسته است. در کتب تاریخی و روایی موارد زیادی از حضور زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله و بعد از آن در زمان ائمه معصومین: بیان شده که به نمونه هایی از آن ها اشاره می نمایم:

1) در زمان رسول الله صلی الله علیه وآله برخی از اصحاب، زنان را از حضور در امور خارج از خانه منع می کردند، ولی با مخالفت آن حضرت مواجه می شدند که می فرمود: «انه لقد اذن لکن ان تخرجن لحوائجک»<sup>(18)</sup>؛ همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود از خانه خارج شوید.»

2) در حوادث فتح مکه ذکر شده است که بعد از فتح مکه به دست سپاه مسلمانان، زنان مکه نزد پیامبر صلی الله علیه وآله می آمدند و با آن حضرت بیعت می کردند.<sup>(19)</sup>

در قرآن کریم به بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه وآله اشاره شده است: «یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یتابعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا ینزین ولا یقتلن اولادهن

ولایاتین بهتتان یفتترینه بین ایدیهن وارجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعهن»<sup>(20)</sup>؛ «ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن برای بیعت، نزد تو آیند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زناکاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و افترا و بهتان میان دست و پای خود نبندند و با تو در هیچ امر معروفی [که به آن ها کنی] مخالفت نکنند، با آنان بیعت کن.»

3) در متون اسلامی نقل شده است که در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله زنان، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام در تشییع جنازه بعضی از مسلمانان شرکت می کردند و آن حضرت هم آنان را از این کار منع نمی کردند<sup>(21)</sup>.

و حضرت زینب علیها السلام<sup>(23)</sup> و دفاع از حریم ولایت و روشنگری جامعه، از واقعیاتی است که قابل انکار نیست. آن دو بانوی بزرگ اسلام با حضور در اجتماع مردم و مجالس بزرگ در یک حرکت و جهاد فرهنگی بر علیه دشمنان اسلام قیام نمودند و به دفاع از حق پرداختند.

4) اعطای حق تعلیم و تربیت

یکی از وظایف خطیر پیامبران الهی تعلیم و تربیت است. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم وعلّمهم الكتاب والحکمة»<sup>(24)</sup>؛ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند و آن ها را ترکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد.»

هدف اسلام این است که تمام انسان ها در این امر مهم به پیش روند و به درجات عالیه کمال نائل آیند، از این رو چنان بستری فراهم نموده که زن ها نیز همچون مردان به فراگیری دانش و ترکیه نفس پردازند. اسلام نه تنها فراگیری دانش را برای آنان جاز شمرده، بلکه بر آن ها لازم دانسته است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة»<sup>(25)</sup>؛ فراگیری علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری است.» اسلام نمی خواهد زنان مسلمان، دوران زندگی خود را با غفلت و بی خبری و به دور از هر گونه ترقی و کمال، سپری کنند.

ج) آزادی زنان

یکی از خواسته های فطری و غریزی بشر در تمام دوران تاریخ، آزادی بوده است و هر انسان روشن ضمیر دوست دارد که آزادانه بیاندهد و آزادانه انتخاب کند و به آن چه با تعقل انتخاب کرده آزادانه عمل نماید. زنان که حدودا نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می دهند، در قرون متمادی از این نعمت و موهبت الهی محروم بوده اند و در تمام زمینه های فردی و اجتماعی مورد ظلم و جور قرار داشته و در چنگال جبر، محصور بوده اند.

ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می گیرند، قوانین رهایی بخش انسان ها را بیان داشته اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل ترین آن هاست برنامه ها و تعالیم ناب خود را در زمینه آزادی انسان ها و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانینی دقیق و نظام مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به سوی جایگاه واقعیشان رهنمون ساخته است. در اسلام مرد و زن در یک صف قرار می گیرند و با الفاظی همچون «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مورد خطاب واقع می شوند و با آیاتی همچون «ومن عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة»<sup>(26)</sup> و «کل نفس بما کسبت رهینه»<sup>(27)</sup> به آنان استقلال در عمل داده می شود.

البته چون انسان موجودی دو بعدی است - که یکی بعد حیوانی و دیگری بعد روحانی می باشد - آزادی او نیز در هر دو بعد مطرح است. اسلام با محدود کردن آزادی در بعد جسمانی و حیوانی، زمینه آزادی در بعد انسانی و روحانی و رشد و تکامل اخلاقی را فراهم نموده است، ولی در دنیای امروز مخصوصا از عصر رنسانس تا کنون که سکولاریزم رفته رفته آثار شوم خود را در پهنه جوامع انسانی می گستراند، دین و به تبع آن بعد روحانی انسان به فراموشی سپرده شده و در تمام آزادی های مطرح شده در مورد زنان و غیره، فقط به جنبه جسمانی و حیوانی او توجه شده است. شهید مطهری رحمه الله درباره تفاوت بین آزادی در اسلام و آزادی در غرب می گوید: «دمکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده، حال آن که این واژه در قاموس غرب معنای حیوانیت رها شده را متضمن است.»<sup>(28)</sup>

(د) پرهیز از یکسونگری



زن و مرد به طور طبیعی تفاوت هایی با یکدیگر دارند و در وجود هر کدام غرایز و تمایلات و استعدادهایی نهفته است که در وجود دیگری موجود نیست. برای نمونه مرد موجودی سخت کوش و خشن است که توانایی انجام امور سخت و طاقت فرسا را داراست، ولی زن موجودی لطیف است که از نظر جسمانی تاب و توان آن امور را ندارد.

الکسیس کارل فیزیولوژیست و زیست شناس معروف فرانسوی در این باره می گوید: «اختلافی که بین زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام های جنسی آن ها نیست بلکه نتیجه علتی عمیق تر است. به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می کنند که هر دو جنس می توانند یک قسم تعلیم و تربیت یابند و مشاغل و اختیارات و مسؤولیت های یکسانی به عهده بگیرند. زن در حقیقت در جهات زیادی با مرد متفاوت است. زنان باید به بسط مواهب طبیعی خود در جهت و مسیر سرشت خاص خویش بدون تقلید کورکورانه از مردان بکوشند، وظیفه ایشان در راه تکامل بشریت خیلی بزرگتر از مردهاست و نایستی آن را سرسری گیرند و رها کنند.»<sup>(29)</sup>

یکی از دقت ها و ظرافت های اسلام، این است که بر اساس این تفاوت ها و به تناسب استعداد هر کدام، قوانین و احکام مخصوص به هر یک از زن و مرد را تشریح نموده و آن قوانین را در یک چارچوب منطقی و عقلانی ارائه نموده است. نظام حقوقی اسلام، نظامی منسجم و هماهنگ است که با ملاحظه مجموعه شرایط و کلیه مصالح فرد و جامعه و بر اساس تمام خواست ها و نیازهای فطری و غریزی انسان، تنظیم شده است. از این رو در مواجهه با قوانین اسلام باید از جزء بینی و یک سو نگری پرهیز شود و به آن ها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود تا جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود<sup>(30)</sup>. در ادامه به بیان دو نمونه از قوانین اسلام در رابطه با زن و مرد می پردازیم و آن ها را با دو نگاه یک سو نگر و مجموعی بررسی می کنیم.

1) در اسلام ارث زن نصف ارث مرد است. اگر چه این حکم به تنهایی معقول به نظر نمی رسد، ولی در کنار این حکم شرعی، وجوب نفقه بر عهده مردان گذاشته شده است. در یک

نگاه مجموعی به این دو حکم متوجه می شویم که زن ها می توانند آن چه به ارث می برند را در ملک شخصی خود نگه دارند ولی مردها موظفند از تمام مایملک خود در راه معاش زندگی استفاده کنند، که در این صورت به نظر می رسد در نهایت زنان بهره بیشتری از مردان ببرند<sup>(31)</sup>.

2) اگر چه قوه تعقل و ادراک در زن و مرد برابر است ولی در زنان به علت وجود احساسات و عواطف زیاد غالباً تعقل تحت الشعاع قرار می گیرد و احساسات و عواطف بر آن غلبه می کند؛ به خلاف مردان که چون از احساسات و عواطف کمتری برخوردارند بیشتر از قوه تعقل استفاده می کنند، از این رو اموری همچون قضاوت به عهده مردان گذاشته شده، ولی در عوض نیروی عظیم و موهبت الهی عواطف در زنان در مسیر صحیح خود به کار گرفته می شود و موجب تحکیم نظام خانواده و تربیت فرزندان صالح می شود. در این صورت زنان همچون مردان از ارکان زندگی به شمار می روند و زینت بخش زندگی هستند. «هن لباس لکم وانتم لباس لهن»<sup>(32)</sup>؛ «آن ها زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آن ها.»

محصول نگرش اسلامی و غربی به حقوق زنان

اگر مبنا و ماخذ قانونگذاری وحی الهی باشد، از هر گونه خطا و افراط و تفریط مصون است، اما اگر قانون، ساخته فکر بشر باشد، در اکثر اوقات یا راه افراط را می پیماید و یا راه تفریط را. در مورد جایگاه و ارزش زن روزگاری راه تفریط در پیش روی انسان ها بود و زنان از حقوق مسلم خود محروم بودند، ولی امروزه که انسان ها از نظر فکری رشد کرده اند، مرکب تیز روی خود را به سرعت بر خلاف جهت گذشته به حرکت در آورده و راه افراط را در پیش گرفته اند و به قول معروف برای سوار شدن بر مرکب آن چنان خیز برداشته اند که از طرف دیگر مرکب به زمین خورده اند.

غرب می خواست حقوق از دست رفته زن را به او برگرداند، ولی با آزادی های بی قید و شرط و غیر انسانی، او را از رسیدن به تکامل و انسانیت باز داشت. آن ها می خواستند زن را از بردگی نجات دهند، ولی او را به بردگی مدرن کشانیده اند. اما اسلام راه میانه و اعتدال را فرا

روی انسان ها قرار می دهد که پیمودن آن موجب سعادت و موفقیت در دنیا و آخرت می شود.

کارشناسان غربی آمارهایی تهیه کرده اند که نشان می دهد امروزه ساختار و نظام اخلاقی در آن جوامع با مشکلات متعددی ست به گریبان است. آمار بالای طلاق، هم جنس بازی، زندگی زوجین در چارچوب های خارج از دایره ازدواج، بی بند و باری فرزندان و سطح بالای حاملگی دختران نوجوان، همه و همه از توابع و پیامدهای الگوی ناتمام و ناصواب غرب در برابری حقوق زن و مرد و آزادی بی قید و شرط زنان در عرصه های مختلف است که علاوه بر از هم گسیختگی و متلاشی شدن نظام خانواده در آن جوامع، باعث شیوع و گسترش فسادهای اخلاقی و از بین رفتن هنجارهای انسانی شده است. در ادامه به ذکر برخی از آمارهای منتشر شده در این باره می پردازیم.

در یک نظر سنجی در آمریکا، نیمی از جوانان با روابط جنسی افراد متاهل با دیگران مخالفتی نداشته اند (33).

در نروژ، دانمارک و سوئد از هر ده زوج موجود، سه تا چهار زوج زندگی مشترک خارج از دایره ازدواج دارند، البته این میزان در کشورهای کاتولیک که مذهب نقش بیشتری دارد کم تر است. در کشورهای غربی طی چند دهه اخیر تعداد نوزادان نامشروع به شدت افزایش یافته و در بعضی از آن کشورها از مرز 50٪ گذشته است. بنابر آمارهای منتشر شده از طرف سازمان ملل متحد در سال 1991 آمریکا بالاترین میزان طلاق را داشته است (34).

البته این نکته قابل ذکر است که متأسفانه بعضی از کشورهای اسلامی به علت تطبیق قوانین کشورهای غربی در سیستم های حکومتی خود و کنار گذاشتن بعضی از احکام اسلام، دچار چالش های اخلاقی زیادی شده اند. همچنین برخی از مسلمانان با تقلید کور کورانه و الگوبرداری از فرهنگ غرب در گرداب ابتدال و بی بند و باری گرفتار شده اند و هر چقدر این تقلید غیر عقلانی بیشتر شود، شیوع و گسترش این ناهنجاری های اخلاقی در جوامع اسلامی نیز بیشتر خواهد شد. پس احکام و قوانین اسلام به خودی خود هیچ عیب و نقصی ندارد،

بلکه تمام مشکلات به خاطر عدم اجرای این قوانین است.  
اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست  
پی نوشت ها:

- 1) زن از دیدگاه اسلام، علی ربانی خلخالی، نشر حجت، ص 21، 22 و 25.
- 2) فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، ج 1، ص 48.
- 3) اسد الغابة، ابن اثیر، مکتبة الاسلامیه، ج 4، ص 220.
- 4) انعام/140.
- 5) انعام/137.
- 6) حجرات/13.
- 7) انسان/3.
- 8) مجموعه آثار، شهید مطهری، ج 19، ص 133، نظام حقوق زن در اسلام.
- 9) تحریم/11 و 12.
- 10) بحار الانوار، علامه مجلسی، دار احیاء التراث العربی، ج 43، ص 19؛ میزان الاعتدال، ذهبی، دارالفکر، ج 1، ص 535.
- 11) بقره/228.
- 12) نحل/58.
- 13) کنز العمال، متقی هندی، مؤسسة الرسالة، ج 16، ص 454، ح 45399.
- 14) لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، نشر اندیشه، ص 158.
- 15) نساء/32.
- 16) نساء/7.
- 17) مجموعه آثار، همان، ص 542.
- 18) صحیح بخاری، دار احیاء التراث العربی، ج 7، ص 49.
- 19) الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دارصادر، ج 2، ص 252، حوادث سال ششم هجری،

فتح مکه.

20) ممتحنه/12.

21) وسایل الشیعة، شیخ حر عاملی، آل البیت، ج 2، ص 51.

22) الاحتجاج، طبرسی، اسوه، ج 1، ص 286.

23) اللهوف، سید بن طاووس، حوادث بعد از عاشورا.

24) جمعه/2.

25) امالی شیخ طوسی، مجلس 17، ح 40، ص 486.

26) غافر/40 «و هر کس که عمل نیکی انجام دهد و حال آن که مؤمن است، خواه مرد باشد

یا زن، داخل بهشت می شود.»

27) مدثر/38 «هر انسانی در گرو عمل خویش است.»

28) مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص 104.

29) انسان موجودی ناشناخته، الکسیس کارل، ترجمه دکتر پرویز دبیری، ص 100.

30) در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، زیبایی نژاد و سبحانی، دفتر مطالعات و

تحقیقات زنان، ص 50.

31) المیزان، همان، ذیل آیه 34 سوره نساء.

32) بقره/187.

33) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، رونالد اینگلهارت، ترجمه مریم وتر، ص 500.

34) سیمای زن در جهان، ایالات متحده آمریکا، جلیل روشن دل و رافیک قلی پور،

گردآوری و تبدیل به کتاب الکترونیکی: سیدجوادمرتضایی ارزیل

جهت دریافت کتابها. مقالات. اخبار. تصاویر. به وب سایت ماسربزنیید.

[www.sunboys.ir](http://www.sunboys.ir)

میتوانید با ایمیل

[Sunboys.online@yahaoo.com](mailto:Sunboys.online@yahaoo.com)

ویا با شماره ی 09149967090 (پیامک) با ما در ارتباط باشید.

جامعه ی جهادگران مجازی پسران افتاب

استفاده از کتابها در وبلاگها و وبسایتها با ذکر صلوات جهت سلامتی و ظهور صاحب الزمان (عج) و با ذکر

منبع و نام نویسنده بلامانع میباشد.